

دانش آموزان، آرام و با نظم و ترتیب وارد کلاس می شدند.

مهدی با پدر و مادرش گلدانهای پرگلی را که آورده بودند، کنار حوض قرار دادند.

خطرهایی برای ما پیش می آمد، مثلاً صدای روباهها و شغال ها را نمی شنیدیم

باران شدیدی شروع به باریدن کرد و سیل بزرگی به راه افتاد

چه خیابان های منظمی چه رفت و آمد مرتبی!

این نظم و ترتیب را در خیابانها چه کسی ایجاد کرده است؟

زینب جان اذان مغرب را گفتند بهتر است به وضو خانه برویم و وضو بگیریم

برای این که بتوانی یک عکس خوب بگیری باید هنرمند باشی

آنان کشور خود را از حمله ی دشمنان حفظ می کنند.

مردم ما پیش از نوروز خانه تکانی میکنند و در جشن نیکوکاری شرکت می کنند

خورشید گرما و نور خود را روی قطره های آب پاشید.

پدر قدم زنان به تماشای طبیعت رفت ولی مادرم تشنه بود و اطراف را نگاه می کرد.

باز خورد:



موضوع:

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

هدف:

کتاب خوب را هم مانند دوست، پس از همفکری و مشورت با بزرگترها انتخاب کنیم.

مردم می خواستند برای اولین بار نماز به جماعت در این مسجد بخوانند.

عسل ها را با همان دستهای کثیفش خورد

چوپان هر بار صاحب گوسفندها را نصیحت می کرد.

نوشا قبول کرد ولی هنوز یک سال نگذشته بود که از آموختن خسته شد.

در موقع دعا با خدا سخن میگوئیم و از او یاری می خواهیم

زینب نماز خواندن در حرم امام رضا (ع) را هرگز فراموش نمی کند.

شاهنامه کتاب با ارزشی است که در آن

داستانهای زیادی درباره ی ایران و پهلوانان آن می خوانیم

رنگ سبز نشانه ی سرسبزی، رنگ سفید نشانه ی صلح و

دوستی و رنگ سرخ نشانه ی دفاع از میهن و آزادی آن است.

تحویل سال لحظه ای است که سال کهنه به پایان میرسد و سال نو شروع می شود.

خیلی از دوستانم روی کوه و جنگل و صحرا باریدند. بعضی از آنها هم همراه رودها به دریا آمدند.

تو می خواهی دانشمند شوی. خوب است ولی باید مراقب باشی به چیزهای دیگر آسیب نرسانی

باز خورد:

